

نام گذاری متفاوت سایر علمای بیان در قسم سوم و چهارم و پنجم

نام گذاری سایر علمای بیان	نام گذاری سکاکی	قسم
مجاز عقلی	استعاره	سوم
مجاز در حذف و اضافه	مجاز لغوی در حکم کلمه	چهارم
مجاز در اسناد	مجاز عقلی	پنجم

کلام سکاکی : آیا استعاره از اقسام مجاز لغوی است؟

قول دوم : مجاز لغوی نیست



کسی که ادعا می کند رجل شجاع، اسد است،
در حقیقت اسد را در معنای موضوع له اش
استعمال می کند
پس با اصرار به اینکه آن فرد، اسد محال است
که بگوییم این کلمات در معنای موضوع له
استعمال نشده اند

قول اول : مجاز لغوی است



چراکه ادعای «اسدیت» برای «رجل شجاع»،
فقط در محدوده شجاعت است
در حالیکه اسم اسد برای «شجاعت + باقی
صفات شیر» وضع شده است.

کلام سکاکی : جمع بین دو قول در استعاره

جمع بین دو مبنا :

ادعای «اسد» بودن رجل شجاع، مبتنی بر این است که متکلم ادعا می کند که اسد دارای دو نوع فرد و مصداق است:

۲. «فرد غیر متعارف»

که کسی است که جرأت و شهامت شیر بیابانی را دارد ولی صورت مخصوص به شیر بیابانی را ندارد

۱. «فرد متعارف»

که همان شیر بیابانی است

کلام سکاکی :
فرق استعاره با استعمال غلط

در استعمال غلط = گوینده از «تأویل» بهره نبرده است

در استعاره = تأویل و ادعا موجود است و بر این ادعا قرینه نیز نصب شده است

نتیجه گیری کلام سکاکی در باب «استعاره»

۲

نظریه سکاکی دارای دو مرحله است:

در ابتداء ← اعتقاد به «مجاز لغوی» بودن استعاره

(مطابق با نظریه استادش)

در انتها ← گرایش به نظریه «ادعا»

(و پذیرفتن آن در وجه توفیق)

۱

این قول

پیش از سکاکی

نیز مطرح بوده است

نتیجه گیری کلام سکاکی در باب «استعاره»

عقیده سکاکی

۳

متکلم مدعی **دو نوع فرد** برای اسد است

لفظ اسد برای برای **فرد حقیقی** وضع شده است

نتیجه : در عین حال که ادعای مذکور موجود است، استعمال لفظ برای فرد ادعایی، استعمال در غیر موضوع له است

مشهور می گوید :

نظریه سکاکی در مجاز، همان استعمال لفظ در معنای موضوع له است

کلام آیت الله سبحانی در تفاوت «مجاز ادعایی» و «مجاز سکاکی»

«مجاز ادعایی» و نظریه «سکاکی» در اصل «ادعا» با هم مشترک هستند

در نظریه مجاز ادعایی ← ادعا شده است که لفظ در معنای حقیقی اش استعمال شده است

در نظریه سکاکی ← لفظ در معنای غیر موضوع له استعمال شده است

جمع بندی نهایی کلام سکاکی

۱. دیدگاه سکاکی ← مجاز، استعمال لفظ در غیر موضوع له است

۲. وجود «ادعا» در مجازهای استعاره

۳. نتیجه : استعمال لفظ وضع شده برای فرد حقیقی، در فرد ادعایی!

۴. این مطلب مستفاد از عبارات سکاکی و بر خلاف برداشت مشهور از نظریه وی می باشد

اشکال حضرت امام بر سکاکی

۱. «ادّعا» باعث نمی شود کلام از «مجاز لغوی بودن» خارج شود.
چراکه: فرض شده است که لفظ فی الواقع در غیر موضوع له استعمال شده است

۲. اگر لفظ در «مصدق حقیقی» هم استعمال شود، مجاز است
آنچه حقیقت است ← «انطباق اسم جنس بر مصادیق» است

۳. جاری نبودن نظریه سکاکی در اعلام **شخصیه**
چراکه: «حاتم» مثلا، مصداق های حقیقی ندارد، تا ادّعا کنیم که زید نیز مصداق آن است
الا اینکه تأویل باردی را مرتکب شدیم

قضاوت حضرت امام در مورد نظر مشهور و نظر سکاکی

نظریه سکاکی : بهتر از کلام مشهور ولی ناتمام!

کلام مشهور صحیح نیست ← چراکه در مثال های گفته شده قابل پیاده شدن نیست

ان قلت:

وجود تعجب در مثال ها به جهت ترک عمدی تشبیه به هدف مبالغه بیشتر است

قلت:

فراموشی تشبیه، تنها با نظریه «ادعا» سازگار است

نظریه مرحوم اصفهانی در باب مجاز

الفاظ مورد نظر در معنای اصلی شان استعمال شده اند

اشتراک «استعمال حقیقی» و «استعمال مجازی» در **اراده استعمالیه**

تفاوت «استعمال حقیقی» و «استعمال مجازی» در **اراده جدیه**

استعمال یعنی :

آنچه می خواهیم شنونده بفهمد - چه صادق باشد و چه کاذب، چه جدی باشد و چه شوخی -

شاهد: چون اراده استعمالی، هیچ تغییری نیافته است، فرزند کسی را «اسد» نامیدید، «شِبِل»

صدایش را «زئیر» و جایگاهش را «خیس» می خوانید

تقد مرحوم اصفهانی بر نظریه مشهور

اشکال اول :

در مثل «هذا شجاعٌ بل اسدٌ» چه می گویند؟
در حالیکه در اضراب نمی توان یک معنی را اضراب از خودش قرار داد!

اشکال دوم :

چه می گویند در جایی که معنای حقیقی صراحة نفی شده است؟
مثل «ما هذا بشراً إن هذا إلا ملک کریم»

کلام مرحوم اصفهانی در تفاوت «مجاز» و «دروغ»

در دروغ ← اراده جدی عین اراده استعمالی است

در مجاز ← اراده جدی غیر از اراده استعمالی است

غرض در دروغ قبیح و حرام ← در انداختن شنونده به خلاف واقع و اغراء به جهل است

غرض در مجاز ← تصور مطلب توسط شنونده بدون آنکه آن را تصدیق نکند

لذا: «قرینه معانده» را همراه با کلام می آورد

کلام مرحوم اصفهانی در تفاوت «مجاز» و «دروغ»

در دروغ ← اراده جدی عین اراده استعمالی است

در مجاز ← اراده جدی غیر از اراده استعمالی است

غرض در دروغ قبیح و حرام ← در انداختن شنونده به خلاف واقع و اغراء به جهل است

غرض در مجاز ← تصور مطلب توسط شنونده بدون آنکه آن را تصدیق نکند

لذا: «قرینه معانده» را همراه با کلام می آورد

کلام مرحوم اصفهانی در تفاوت نظریه خود و نظریه سکاکی

تفاوت اول

سکاکی این کلام را در **استعاره** می گوید و ما در **همه مجازها**

اطلاق «هو میت» به «قریب الموت» (مجاز مرسل) و شخص بی خاصیت (استعاره) یکسان است

اللهم الا ان يقال :

با ملاحظه مجموع کلام او بگوییم ← او در مطلق مجاز این حرف را می زند

صرفاً مثال ها درباره استعاره است ← چراکه استعاره از اهم و اشهر اقسام مجاز است

کلام مرحوم اصفهانی در تفاوت نظریه خود و نظریه سکاکی

تفاوت دوم

مذهب سکاکی به امر عقلی و ادعا استوار است بر خلاف مبنای ما
چراکه : مبنای او مبتنی بر این مدعاست که مشبه از جمله مصادیق مشبه به است